



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه ۲	تاریخ	۱۴۰۴/۰۶/۳۱
عنوان ۱	خبر واحد			
عنوان ۲	حدود حجیت خبر واحد			
عنوان ۳	مقام اول: بحث ثبوتی (امکان عقلی حجیت اخبار مع الواسطه)			

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

چکیده درس

در مقام ثبوت حجیت اخبار مع الواسطه، دو اشکال عقلی مطرح است که امکان جعل حجیت را به چالش می کشد. این اشکالات، تنها متوجه دلیلی است که به نحو «دلیل لفظی» و با «جعل واحد»، درصدد اثبات حجیت باشد. اشکال اول آن است که جعل حجیت برای خبر با واسطه، مستلزم آن است که با جعل واحد، هم موضوع (خبر ذواتر) و هم حکم (حجیت)، همزمان جعل شوند. و چون موضوع ذاتاً بر حکم تقدم رتبی دارد، این اتحاد در رتبه، امری محال است. اشکال دوم، که شدیدتر است، آن است که این امر، مستلزم تقدم حکم بر موضوع است؛ زیرا وجود خبر واسطه (موضوع) برای ما حسی نیست و تنها از طریق حجیت خبر اخیر (حکم) ثابت می شود. در نتیجه، حکم باید پیش از موضوع خود جعل شود تا بتواند همان موضوع را ایجاد کند، که این نیز همچون تقدم معلول بر علت، محال می باشد.

مرور درس پیشین

بحث ما در اخبار مع الواسطه بود. گفتیم که در این موضوع، هم بحث ثبوتی داریم و هم بحث اثباتی؛ یعنی در دو مقام پیرامون خبر مع الواسطه بحث می کنیم: یکی در مقام ثبوت و دیگری در مقام اثبات. در مقام ثبوت، به دنبال دفع اشکالی هستیم که متوجه اصل امکان جعل حجیت برای خبر مع الواسطه شده است. برخی گفته اند که جعل حجیت برای خبر مع الواسطه، عقلاً ممکن نیست. در این مقام، پس از بررسی وجه اشکال، آن را دفع کرده و اثبات می کنیم که اشکال ثبوتی در جعل حجیت برای خبر با واسطه وجود ندارد. در مقام دوم، یعنی بحث اثباتی، به این می پردازیم که آیا آن ادله ای که برای اثبات حجیت خبر واحد قابل اعتماد دانستیم - یعنی روایات و سیره - شامل خبر مع الواسطه هم می شوند یا خیر.

مقام اول: بحث ثبوتی (امکان عقلی حجیت اخبار مع الواسطه)

در مقام ثبوت، دو اشکال بر جعل حجیت برای خبر واحد مع الواسطه بیان شده است. البته همان طور که توضیح دادیم، هر دو اشکال ثبوتی، تنها در صورتی متوجه بحث ماست که اولاً دلیل حجیت خبر واحد، «دلیل لفظی» باشد و ثانیاً، این دلیل لفظی بخواهد به نحو «جعل واحد»، حجیت را برای خبر واحد جعل کند. اما اگر دلیل حجیت، اطلاقی شمولی و انحلالی داشت که از آن می فهمیدیم برای هر خبر واحدی، یک حجیت مستقل و متعدد جعل شده است، این اشکالات ثبوتی دیگر وارد نخواهد بود. این نکته در خلال بحث روشن تر خواهد شد.

ابتدا عناوین دو اشکال را بیان می کنیم و سپس به توضیح آنها می پردازیم:

عنوان اشکال اول: جعل حجیت برای خبر با واسطه، منجر به این می شود که با یک «جعل واحد»، هم «موضوع» حجیت و هم خود «حکم» حجیت با هم جعل شوند. این امر به دلیل تقدم ذاتی و رتبی موضوع بر حکم، محال است.

عنوان اشکال دوم: جعل حجیت برای خبر با واسطه، مستلزم تقدم حکم بر موضوع در مقام جعل است که این نیز محال می باشد.

تبیین اشکال اول: لزوم اتحاد رتبه حکم و موضوع

اشکال اول این است که جعل حجیت برای خبر مع الواسطه، مستلزم یک لازمه فاسد، یعنی جعل همزمان حکم و موضوع با یک جعل واحد است که به معنای افتراق و هم رتبیگی آن دو در مقام جعل می باشد. توضیح اینکه موضوع هر حکمی، در رتبه علت آن قرار دارد و ذاتاً بر آن مقدم است. شارع وقتی حکمی را جعل می کند، مثلاً می فرماید «المُسْکِرُ حَرَامٌ»، حرمت را برای «مسکر» جعل می کند و وجود مسکر را یا محقق و یا مفروض می داند. جعل واحد نمی تواند هم وجود مسکر را جعل کند و هم حرمت را بر آن بار نماید.

حال این اشکال چگونه بر خبر با واسطه تطبیق می یابد؟ نقطه شروع و ارتکاز این اشکال، خبری است که برای ما مستقیم و مباشر است اما برای رسیدن به امام، واسطه دارد. فرض کنید علی بن ابراهیم از پدرش، ابراهیم بن هاشم، و او از امام معصوم نقل می کند. خبر علی بن ابراهیم، اخبار از قول امام نیست، بلکه اخبار از قول ابراهیم بن هاشم است. قول ابراهیم بن هاشم که معصوم نیست، فی نفسه ذو اثر (دارای اثر شرعی) نمی باشد. قول معصوم است که ذوات و واجب الاتباع است.

برای اینکه جعل حجیت برای خبر علی بن ابراهیم معقول باشد، باید موضوع آن، یعنی خبری که نقل می کند، ذو اثر باشد. خبر علی بن ابراهیم زمانی ذو اثر می شود که خبر واسطه، یعنی خبر ابراهیم بن هاشم، حجت باشد. اگر خبر ابراهیم بن هاشم که از معصوم نقل می کند حجت شد، آنگاه نقل علی بن ابراهیم از او، نقل یک امر ذو اثر خواهد بود.

بنابراین، دلیلی که می خواهد حجیت را برای خبر با واسطه جعل کند، باید با یک جعل، دو کار را همزمان انجام دهد:

۱. جعل موضوع: باید خبر ابراهیم بن هاشم را حجت کند تا خبر علی بن ابراهیم، ذو اثر شود و موضوعی صالح برای حجیت پیدا کند.

۲. جعل حکم: باید برای همین خبر علی بن ابراهیم که اکنون موضوعیت یافته، حکم حجیت را جعل نماید.

در نتیجه، یک «جعل واحد» هم موضوع را درست کرده و هم حکم را، که این به معنای اتحاد رتبه آن دو و محال است.

برای فهم عمیق تر اشکال، باید معنای حجیت را مرور کنیم. ما در جای خود گفتیم معنای حجیت، «تنجیز» و «تعذیر» است. تنجیز بدین معناست که اگر خبر، حکمی الزامی را بیان کند و مطابق با واقع باشد، مخالفت با آن، عقاب آور است (مُنَجِّزٌ عقاب) و تعذیر در جایی است که اگر خبر، حکم عدم الزام را بیان کند و بگوید خداوند در این مورد، حکم الزامی ندارد و ما به آن عمل کنیم، حتی اگر مخالف با واقع باشد و خداوند در واقع، حکم الزامی داشت، از عقاب معذوریم (مُعَذِّرٌ از عقاب). پس محور حجیت و مباحث امارات و اصول، استحقاق عقاب و عدم آن است. لذا خبری قابل حجت شدن است که محتوای آن به گونه ای باشد که مخالفتش استحقاق عقاب را در پی داشته باشد. به همین دلیل است که ما در فقه و اصول امامیه، دلیل ظنی نداریم؛ دلیل ما یا خود قطعی است یا «حجیتش» قطعی است. اساسی ترین اختلاف ما با مذاهب دیگر این است که ما می گوییم حجت، باید قطعی باشد و ظن، حجیت ندارد؛ بلکه باید حجیت دلیل، قطعی باشد؛ حجیت قطعی یعنی قطع داریم که این دلیل یا منجز است یا معذر. این مبنای اصولی ما، کاملاً قرآنی است، چنانکه در آیه ﴿فَالْمُلْكِيَّاتِ ذِكْرًا، عَذْرًا أَوْ نَجْرًا﴾ به آن اشاره شده است؛ اصول ما در پی یافتن «ذکر عذری» (معذرت) و «ذکر نذری» (منجزیت) است.

با این توضیح، به اشکال بازمی گردیم. دلیلی که می خواهد برای خبری که با واسطه برای ما نقل شده، جعل حجیت کند، در آن واحد باید دو کار کند: یکی اینکه خبر علی بن ابراهیم که خبر مباشر ماست را ذو اثر کند، زیرا اگر ذو اثر نباشد، جعل حجیت برای آن معنا ندارد. به عبارت دیگر: خبر علی بن ابراهیم که از قول ابراهیم بن هاشم نقل می کند، فی نفسه اثری ندارد که منجزیت و معذرت داشته باشد. پس دلیل جعل حجیت، باید برای آن «اثر» درست کند. هنگامی این خبر دارای اثر می شود که خبر ابراهیم بن هاشم، حجت شود. هنگامی که خبر ابراهیم بن هاشم که از معصوم به صورت مباشر نقل می کند، حجت شد، آنوقت خبر علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم، ذو اثر می شود. بنابراین این دلیل، هم زمان باید دو کار کند، هم خبر علی بن ابراهیم را ذو اثر کند که موضوع را درست کند و هم در عین حال، خبر علی بن ابراهیم را حجت کند.

تبیین اشکال دوم: لزوم تقدم حکم بر موضوع

این اشکال، شدیدتر از اشکال اول است و بیان می کند که جعل حجیت برای خبر مع الواسطه، مستلزم تقدم حکم بر موضوع است که همانند تقدم معلول بر علت، محال می باشد. نقطه ارتکاز این اشکال، ابتدای سلسله سند، یعنی خبری است که مستقیماً از امام صادر شده؛ در مثال ما، خبر ابراهیم بن هاشم.

وجود خبر ابراهیم بن هاشم برای ما حسی نیست؛ ما آن را با گوش خود نشنیده ایم، بلکه وجود آن را از طریق خبر علی بن ابراهیم دریافته ایم. بنابراین، برای آنکه «موضوع» - یعنی خبر ابراهیم بن هاشم - برای ما ثابت شود، باید ابتدا «حکم» - یعنی حجیت خبر علی بن ابراهیم - جعل گردد. اگر خبر علی بن ابراهیم حجت شد، آنگاه ما به وجود خبر ابراهیم بن هاشم علم تبعیدی پیدا می کنیم و این خبر تازه به عنوان «موضوع» برای جعل حجیت بعدی مطرح می شود. پس روند این گونه می شود:

۱. ابتدا باید حکم - حجیت خبر علی بن ابراهیم - جعل شود.
 ۲. سپس به واسطه این حکم، موضوع - وجود خبر ابراهیم بن هاشم - ثابت می گردد.
- این یعنی موضوع، متوقف بر جعل حکم است و جعل حکم، بر جعل موضوع خود مقدم شده است که امری محال است.

اصولیون بزرگ برای پاسخ به این دو اشکال ثبوتی، راه حل های متفاوتی ارائه داده اند. محقق آخوند، میرزای نائینی، محقق اصفهانی و استاد شهید صدر، هر یک تقریر و راه حل خاص خود را دارند که ان شاء الله در روزهای آینده به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین